

گزارش

جامعه‌شناسی روحانیت

علی اشرف فتحی^۱، سید مرتضی ابطحی

گروه جامعه‌شناسی دین انجمن جامعه‌شناسی ایران، میزگرد «جامعه‌شناسی روحانیت» را برگزار نمود. این میزگرد روز یکشنبه یکم دی ماه ۱۳۹۲ از ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح، با حضور علی اشرف فتحی و سید مرتضی ابطحی در گروه جامعه‌شناسی دین انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد.

در این میزگرد ابتدا علی اشرف فتحی درباره پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود که شهریور سال ۹۱ با موضوع «جریان‌شناسی سیاسی مذهبی حوزه علمیه نجف در نیمه نخست قرن بیستم» از آن دفاع کرده است، سخن گفت. وی در ابتدای سخن خود به ذکر تاریخچه مختصری از پیشینه حوزه علمیه نجف پرداخت. فتحی اشاره کرد «پس از حمله سلجوقیان به بغداد و از بین رفتن کتابخانه شخصی شیخ طوسی به نجف می‌رود. این نقل مکان نیز به دو دلیل بود: از یک سو مرقد امام اول شیعیان در این شهر قرار داشت و از سوی دیگر برخی حلقه‌های پراکنده علمی نیز در این شهر وجود داشتند.» وی با اشاره به نقش حاج شیخ عبدالکریم حائری در تأسیس حوزه قم، نقش ایشان را نظیر نقشی دانست که شیخ طوسی در قرن پنجم برای حوزه نجف ایفا نمود.

علی اشرف فتحی در ادامه با ذکر تاریخ حوزه نجف گفت: «محوریت علمی نجف در قرن هفتم به حله منتقل شد و در قرن دهم به حوزه اصفهان منتقل گشت. اما پس از این دوره یعنی در اوایل دوره قاجار و جنگ‌های ایران و روس اولین فعالیت سیاسی دوباره حوزه نجف را شاهد هستیم و تقریباً می‌توان گفت این نخستین فعالیت جدی تاریخ حوزه نجف به شمار می‌رود. البته این حضور مقطعی بود و پس از شکست جنگ‌های ایران و روس حوزه نجف دچار یک سرخوردگی می‌شود. اما صاحب جواهر با توجه به این تجربه بر تقویت بنیه علمی حوزه تمرکز نمود و پس از ایشان نیز شاگرد برجسته وی یعنی شیخ انصاری همین راه را ادامه داد و

در این دوره وضعیت علمی و اقتدار حوزه نجف تثبیت پیدا می‌کند و از قرن ۱۲ و ۱۳ قمری حوزه نجف تثبیت پیدا می‌کند. بعد از شیخ انصاری، میرزای شیرازی به مرجعیت پیدا می‌کند ولی ایشان مرکزیت مرجعیت را از نجف به سامرا منتقل می‌کند.

فتوحی درباره تأثیر جنبش تنباکو در بیداری حوزه نجف در نیمه اول قرن بیستم گفت: «نهضت تنباکو باعث افزایش اقتدار حوزه نجف شد. این مسأله در دوره مشروطه توسط آخوند خراسانی در نجف پیگیری شد و آخوند جلسات محرمانه مستمری برای پیگیری وضعیت سیاسی اجتماعی ایران برگزار می‌کرده است. محوریت این جلسات با آخوند خراسانی بود ولی دو مرجع برجسته دیگر یعنی میرزا حسین خلیلی تهرانی و میرزا عبدالله مازندرانی نیز در این جلسات شرکت داشتند و به همین دلیل بیشتر بیانیه‌هایی که از نجف در ارتباط با مشروطه صادر شد امضای این سه نفر را در بر دارد.» وی همین حضور فعال علمای نجف را در مسائل جاری کشور، یکی از انگیزه‌های مردم ایران برای حضور بیشتر در انقلاب مشروطه دانست. در عین حال این وضعیت به تغییر ادبیات حوزه نجف نیز منجر شد و آن‌طور که علی اشرف فتوحی توضیح داد در این دوره «مؤلفه‌های مدرن نیز در ادبیات دینی علمای نجف بروز پیدا کرد.» وی تشریح کرد که ورود نشریات جدید به نجف امر تأثیر گذاری در این رویکرد مدرن به شمار می‌رفته است.

وی یکی از محصولات این ادبیات را تنبیه الامه و تنزیه الملّه نائینی دانسته و گفت: «یکی از محصولات این دوره میرزای نائینی بوده است. برخلاف تصور رایج، کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملّه زمانی به ایران رسیده بود که موج مشروطیت به راه افتاده بود. اما اهمیت این کتاب در پاسخ دادن به مخالفانی همچون شیخ فضل الله نوری بود. بعلاوه کتاب شیخ اسماعیل غروی محلاتی یعنی «اللّٰهالی المربوطه فی وجوب المشروطه» هم که دست کم از کتاب نائینی ندارد.» فتوحی سپس به تشریح وضعیت حوزه نجف در دوره مشروطه پرداخت و گفت: «از نظر اجتماعی فضای نجف کاملاً درگیر با مسأله مشروطه است. برای نمونه آقا نجفی قوچانی که از شاگردان اول آخوند است در کتاب سیاحت شرق وضعیت اجتماعی آن دوره را به خوبی شرح می‌دهد. قوچانی شرح می‌دهد که در نجف اتاق مطبوعات وجود داشته است و وی آنقدر به این اتاق می‌رفته که به اصطلاح خودش در آنجا «پلاس» بوده است. وی شرح می‌دهد که وضعیت سیاسی اجتماعی به گونه‌ای بوده که حتی ویلهلم آلمانی که در حمایت از عثمانی با روسیه وارد جنگ می‌شود در نجف به «حاجی ویلهلم مؤید الاسلام» شناخته می‌شود. البته گزارش‌های دیگری نیز از وضعیت نجف در این دوره وجود دارد. از جمله گزارش سید هبه الدین شهرستانی از موافقان مشروطه و شیخ محمد حسین کاشف الغطا از مخالفان مشروطه. نزاع موافقان و مخالفان مشروطه به گونه‌ای بوده است مخالفان مشروطه، مشروطه خواهان را

بابی (منسوب به محمد علی باب) می‌دانستند.»

وی ادامه داد: «این وضعیت با آغاز جنگ جهانی و حمله روسیه به ایران به یکباره رنگ می‌بازد و به اصطلاح آقا نجفی «مشروطی و مستبد در سوگ آخوند می‌گریستند.» در این شرایط جدید جدال فکری بر سر مباحث مشروطه ناتمام می‌ماند و حوزوی‌ها دیگر دلیلی برای بحث درباره مفاهیم قانون، آزادی، دموکراسی و... نمی‌بینند. این جدال فکری با مسکوت ماندن در آن دوره به پس از انقلاب اسلامی ایران منتقل می‌شود.»

علی اشرف فتحی سپس درباره تغییرات سیاسی نجف پس از آخوند خراسانی گفت: «وضعیت جدید در عراق پس از ۱۹۱۴ با اشغال بغداد توسط انگلیس و تبریک گفتن عده‌ای از روحانیون به ژنرال انگلیسی حاکم بر بغداد تغییر می‌کند. این پیام به حدی تند بود که سید کاظم یزدی که مرجعی غیر سیاسی بوده است، فتوا می‌دهد که اگر این افراد توبه نکنند، دفن آنها در قبرستان‌های مسلمانان حرام است. در حالی برخی از این افراد از فقهای برجسته نجف بودند. در ۱۹۱۸ با شورش گروهی از عشایر علیه انگلیسی‌ها شهر نجف برای ۴۷ روز محاصره می‌شود. وضعیت نجف به شدت تحت فشار می‌افتد. همین مسأله باعث می‌شود که سید کاظم یزدی با شروط انگلیسی‌ها موافقت می‌کند.»

او ادامه داد «اصطلاح «آخوند انگلیسی» در همین جریان شکل می‌گیرد و در جشنی با حضور اکثر بیوت مطرح علمای نجف (به دلخواه یا به اجبار) از حاکم انگلیسی تشکر می‌شود که این جریان باعث شکاف در حوزه نجف می‌شود.»

علی اشرف فتحی در پایان، سخنان خود را اینگونه جمع‌بندی کرد: «پس از دو شکست مشروطه و شکست در مقابل انگلیسی‌ها پس از جنگ جهانی دوم و تعهدی که سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نایینی مبنی بر عدم ورود به مباحث سیاسی دادند، وجهه فرهنگی حوزه نجف تقویت شد. و چون این حوزه مجبور به ترک مباحث سیاسی شد، از ۱۹۲۲ تا دوره مرحوم آقای بروجرودی حوزه نجف وارد مسائل فرهنگی می‌شود. مباحثی چون سنی و شیعه؛ تقریب مذاهب؛ عزاداری‌ها، نفوذ مارکسیسم و...». فتحی تأکید کرد: «حوزه نجف در اثر اجبار، فاز سیاسی را ترک و وارد فاز فرهنگی شد و این اجبار طی چند دهه به یک فرهنگ نهادینه شده تبدیل می‌شود. ما تنها در ۱۹۹۰ شاهدیم آقای خویی به عنوان آخرین تلاش، انتفاضه شعبانیه را شکل می‌دهد. ولی این شورش با سکوت امریکا، مواجه با سرکوب شدید صدام می‌شود و این شورش ختام بسیار تلخی برای فعالیت سیاسی در حوزه نجف می‌شود.»

دومین سخنران این نشست، سید مرتضی ابطحی بود که گزارشی از پایان نامه خود با عنوان «جریان شناسی حوزه نجف در نیمه اول قرن بیستم» ارائه نمود.

ابطحی با اشاره به موانع این تحقیق، بزرگترین مانع در این تحقیق را نبود برخی منابع در ایران

است. وی افزود «از این جهت یک بخت بزرگ یار من بوده و آن هم وجود کتابخانه تخصصی «تاریخ اسلام و ایران» در قم است و یکی از کتابخانه‌های کم نظیر برای تحقیقات تاریخی به شمار می‌رود.» وی سپس به تشریح موضوع ارتباطات در نجف پرداخت. ابطحی اشاره کرد که لااقل چهار واسطه مهم برای ارتباط با نجف وجود داشته است: ۱. زیارت عتبات: که از باورهای شیعه سرچشمه می‌گیرد و همه ساله زائران بسیاری از کشورهای دور و نزدیک به مرقد امامان شیعه رفت و آمد دارند. بعلاوه گروهی از شیعیان نیز پس از مراسم حج به زیارت ائمه می‌رفته‌اند. ۲. قبرستان وادی السلام: که یکی از قبرستان‌های بزرگ در دنیا به شمار می‌رود و براساس بعضی روایات اگر جنازه کسی در این قبرستان دفن شود او از عذاب قبر ایمن خواهد بود. همین مسأله باعث می‌شد تا بسیاری از ساکنان مختلف داخل عراق و بسیاری از متولین و متمکنین خارج عراق جنازه عزیزان خود را برای دفن به این قبرستان بفرستند. طبعاً با توجه به نبود امکانات برای حمل جناز، این جنازه‌ها باید در اسرع وقت وارد نجف می‌شد و کسانی به عنوان «جناز» (مرده کش) در سر مرزها بودند که حرفه‌شان نقل جنازه در اسرع وقت بود. این افراد در عین حال به عنوان حاملان اخبار عمل می‌کردند. ۳. طلاب: حوزه علمیه نجف ۱۰ قرن قدمت دارد. در دوره بحث، حوزه نجف مرکز اصلی علمی جهان شیعه محسوب می‌شده است. بیشتر طلاب نجف طلابی بودند که از ایران به نجف می‌رفتند در کنار طلاب ایرانی، البته از مناطق مختلف خود عراق، عربستان، جبل عامل، هند، شوروی سابق، افغانستان، مسلمانان بالکان و اقصی نقاط عالم نیز در حوزه مشغول به تحصیل بودند. ۴. مرجعیت شیعه: مرجعیت متمرکز شیعیان از دوره شیخ انصاری در عراق قرار داشت و همین مسأله باعث می‌شد تا شیعیان برای انجام کارهای فقهی از جمله پرداخت خمس، و پاسخ گرفتن از سؤالات شرعی‌شان مجبور به ارتباط با عراق باشند.»

ابطحی سپس اضافه کرد: «از تمام این روش‌ها علاوه بر نقل شفاهی اخبار، روزنامه‌ها و مکتوبات نیز به عتبات منتقل می‌شد. این روزنامه‌ها از استانبول، ایران، بیروت، قاهره و بغداد به دست می‌رسید و اخبار آن دهان به دهان می‌گشت تا اینکه پس از یک هفته یا دو هفته و گاه یکماه و یا بیشتر دسته جدیدی از اخبار به دست می‌رسید.»

«نهضت ادبی» موضوع دیگری بود که ابطحی بدان پرداخت. وی به ترویج زبان ترکی در دوره تسلط حکومت عثمانی بر عراق در راستای سیاست «تتریک» (ترک سازی) اشاره کرد. و سپس به اقداماتی که در نجف علیه این سیاست صورت می‌گرفت پرداخت و گفت: «در شکل گیری این نهضت ادبی این دسته از جوانان از دو منبع عمده فکری تغذیه شده بودند: ۱. جلسات ادبی که عمدتاً در منازل برخی ادبا به صورت ثابت برگزار می‌شد و در آن، بزرگان ادب نجف درباره مسائل ادبی سخن می‌گفتند. ۲. کتابخانه‌های بسیار غنی نجف که در برخی موارد چندین نسل به ارث رسیده بود.»

وی افزود «به واسطه تلاش ادبی مجموعه‌ای از جوانان عاشق ادبیات، بخشی از دیوان‌های خطی

شعر همچون دیوان مهیار دیلمی، دیوان سید محمد سعید حبوبی، دیوان العقد المفصل از سید حیدر، دیوان سید ابراهیم طباطبایی و کتاب‌ها و دیوان‌های دیگر جمع‌آوری و منتشر شد. بعلاوه آثار و نتایج این نهضت ادبی در نجف تنها در خود این شهر استفاده نشد بلکه با توجه به رویکرد جهان‌شمول این ادبا، در پهنه کشورهای عربی مورد توجه بود.

ابطحی با اشاره به برخی از نتایج این نهضت ادبی به سراغ تأثیرات آن در دنیای جدید رفت و گفت: «این اشعار البته تنها در روی کاغذ نمی‌ماندند بلکه در مورد برخی شعرا نقل شده است که کافی بود که یک شعر را بگویند تا دهان به دهان در بین مردم تکرار شود. این همه باعث می‌شد تا شعرا انگیزه بیشتری برای تولیدات بیشتر داشته باشند. خصوصا اینکه مناسبت‌های مختلف اجتماعی تبدیل به یک مسابقه شعر می‌شد.»

وی اشاره‌ای هم به نشریات ادبی و تأثیر آنها در گرم کردن تنور تولید ادبی داشت و با اشاره به سه نشریه «الفجر الصادق، الراعی والهااتف» که از نشریات مطرح ادبی در نجف بودند گفت: «هر سه نشریه‌ای که نام برده شد، مورد توجه طلاب نجف بود و حتی نویسندگان حوزه در آن قلم می‌زدند... حتی سید ابوالحسن اصفهانی از مراجع تقلید اجازه استفاده از سهم برای انتشار نشریات را داد و خود نیز کاغذی را که برای انتشار رساله عملیه داشتند را در وضعیت کمبود کاغذ به خلیلی برای چاپ هاتف هدیه کرد!»

ابطحی همچنین اشاره‌ای به نقدهای درونی در حوزه نجف کرد. وی اشاره‌ای به حرکت تقریب‌گرایان و مخالفان آنها نمود. سپس شرحی بر انتقادات سید محسن امین و انتقادات وی بر قمه زنی مخالفت‌های شدید طیف سنتی با وی را مطرح کرد. وی اشاره‌ای نیز به رویکرد علم‌گرای سید هبه‌الدین شهرستانی داشت و اشاره‌ای هم به نقدهای وی بر نقل جنازه‌ها به وادی السلام داشت. رویکرد نوین آموزشی در منتدی النشر نیز مسأله دیگری بود که به عنوان نقدهای درونی مطرح گشت. ابطحی با جمع بندی سخنان خود گفت: «به مسأله این تحقیق باز می‌گردم. چرا در نیمه قرن بیستم شاهد یک رشد فرهنگی در حوزه نجف هستیم؟ ابتدای بحث باز می‌گردم. با توجه به اطلاعاتی که تا این مرحله از تحقیق به آن رسیده‌ام:

۱. امکان ارتباط گیری وسیع اهل نجف با دنیای خارج و اطلاع از نهضت‌های عرب گرای سیاسی، و ادبی کشورهای عربی خصوصا مصر و سوریه
۲. رشد وسایل مادی تولید و تکثیر تولیدات فرهنگی همچون رشد چاپخانه‌ها
۳. زمینه مساعد برای تولیدات فکری از درون حوزه با تکیه بر اتوریتة علمایی همچون آخوند خراسانی و با توان بالای نویسندگان فعال این حوزه
۴. نیاز فکری و خلائی که در اثر هجوم افکار جدید به افکار سنتی
۵. فضای باز سیاسی که پس از استقلال حکومت عراق به وجود آمد.

